

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 1, Spring 2021, 291-311
Doi: 10.30465/crts.2020.29031.1689

A Review on *Verbal Hygiene*

Reza Moghaddam Kiya*

Abstract

The present paper aims at introducing “*Verbal Hygiene*” by Deborah Cameron (1995, 2012) and assessing the quality of its translation into the Persian Language. In her book, Cameron discusses long-standing debates among proponents of two competing perspectives on language use. On the one hand, there are the traditionalist grammarians who contend that any change is undesirable. Accordingly, they seek to prescribe standards for using language. On the other hand, there are the linguists who argue that language is naturally in a state of flux. “*Verbal Hygiene*” is a term coined by Cameron to refer to all discourses, practices, and measures directed at regulating language. In this paper, the quality of the Persian translation of the book was assessed based on the model proposed by Katharina Reiss for translation criticism (Reiss, 2000), and it was shown that the translation is poor and quite unsatisfactory. Misinterpretation of the source text, incorrect rendering of the concepts and meanings, grammatical calques, lack of fluency, inappropriate equivalents, and intermingling spoken and written styles of language use are among the deviations in the target text.

Keywords: Translation, Critique, Verbal Hygiene, Deborah Cameron, Reza Amini.

* Associate Professor, General English Department, Faculty of Foreign Languages and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran, rzmsk@ut.ac.ir

Date received: 2020-11-21, Date of acceptance: 2021-02-20



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

معرفی و نقد کتاب بهداشت زبان

رضا مقدم کیا*

چکیده

مقاله حاضر به نقد ترجمه کتاب بهداشت زبان (۱۳۹۵) نوشته دבורا کمرون (۲۰۱۲) اختصاص دارد. کار بررسی و نقد ترجمه این کتاب بر مبنای مدل نقد ترجمه خانم کاتارینا رایس (Reiss 2000) و در سطوح مختلف معنایی، دستوری، واژگانی، و سبکی به انجام خواهد رسید. در این مقاله هم‌چنین اصل کتاب کمرون و اهم مباحث مطرح شده در آن معرفی خواهد شد. کمرون در این کتاب دیدگاه‌های حامیان پاکتی زبان و گروه مقابل آن‌ها، یعنی زبان‌شناسان، را بررسی و نقد می‌کند. وی هم‌چنین یک‌رشته گفتمان‌ها، سیره‌ها، اعمال، و اقداماتی را معرفی می‌کند که حول محور کنترل تغییر در زبان قرار می‌گیرند و به این فعالیت‌ها و اقدامات نام کلی «بهداشت زبان» را اطلاق می‌کند. یافته‌های این بررسی نشان می‌دهند که متن ترجمه این کتاب در هیچ‌یک از سطوح مورد بررسی در مدل رایس به تعادل دست نیافته است. بدفهمی و انتقال نادرست معانی و مفاهیم، گرت‌برداری دستوری، ناروانی متن، برابری‌های نامناسب، و آمیختن سبک گفتاری با نوشتار از جمله اشکالاتی است که در متن ترجمه به‌وفور مشاهده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت که کیفیت متن ترجمه به‌هیچ‌روی درخور زبان مشترک ایرانیان نیست.

کلیدواژه‌ها: ترجمه، نقد، بهداشت زبان، کاربرد زبان، رضا امینی.

۱. مقدمه

ارزش‌یابی ترجمه اگر مطابق اصول نقد و با هدف آشکار ساختن نقاط قوت و ضعف اثر انجام شود، می‌تواند فن ترجمه و نقد آن را در جامعه ارتقا دهد و موجب تعالی فرهنگی

* دانشیار گروه زبان‌های عمومی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی، دانشگاه تهران، تهران، ایران، rzmsk@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۲



شود. دستیابی به این مهم ایجاب می‌کند که کار ارزش‌یابی به‌نحوی نظام‌مند، عینی، و براساس چهارچوب و الگویی مشخص صورت بگیرد، نه براساس دیدگاه و سلیقه یا ترجیحات شخصی منتقد. ترجمه پژوهان تاکنون مدل‌های متعددی را برای نقد انواع مختلف ترجمه صورت‌بندی و معرفی کرده‌اند که پیروی از این مدل‌ها می‌تواند کار نقد را آسان‌تر، عینی‌تر و نظام‌یافته‌تر کند. در مقاله حاضر پس از معرفی کتاب *بهداشت زبان* (Verbal Hygiene) نوشته دبرا کمرون (Cameron 1995)، می‌کوشیم ترجمه آن را به زبان فارسی براساس یکی از مدل‌های نقد ترجمه بررسی و ارزیابی کنیم، اما پیش‌از آن کتاب را به‌اجمال معرفی می‌کنیم.

کتاب *بهداشت زبان* اثری است که می‌کوشد تا مناظره‌ای دیرپا را برسر نحوه کاربرد زبان میان دو گروه از افراد طرح و شرح کند. یک گروه کسانی‌اند که هر نوع تغییر را موجب فساد و تباهی زبان و ازهم‌گسیختگی ارتباط می‌دانند و تجویزها، ممنوعیت‌ها، و قواعدی را برای کاربرد زبان وضع می‌کنند که کمرون نام کلی «بهداشت زبان»^۱ را به مجموعه این سیره‌ها و تمهیدها برای کنترل تغییر در زبان اطلاق می‌کند. گروه دوم که عمدتاً زبان‌شناسان هستند، تغییر را ذات زبان می‌دانند و می‌گویند به دخالت عامدانه ما نیازی نیست و زبان خود اختلال ناشی از این‌گونه تغییرها را جبران می‌کند.

دایانا وگنر و داگلاس کالج (Wegner and College 2000) در نقد خود بر ویراست اول کتاب کمرون اطلاق عنوان *بهداشت زبان* را نوآوری کمرون می‌دانند و می‌گویند که او کوشیده است به این مناظره‌ها عقلانیت بیش‌تری ببخشد. به عقیده آن‌ها کمرون در مرز این مجادله‌ها و مباحثه‌ها باقی می‌ماند تا درمقام پژوهش‌گر بکوشد به دغدغه‌هایی اعتبار ببخشد که مردم عادی (معلمان، والدین، ویراستاران، سیاست‌مداران، و گفتاردرمان‌گران) با شورواشتیاق فراوان درباره زبانشان از خود نشان می‌دهند و درباره این پدیده و افراد درگیر در آن پژوهش کند (ibid.: 20). این کتاب برنده جایزه انجمن زبان‌شناسی کاربردی بریتانیا (British Association for Applied Linguistics) شده است. بااین‌حال، پس از چاپ اول کتاب نقدهای مختلفی بر آن نوشته شده و مخالفت‌هایی با آن صورت گرفته است که از جمله می‌توان به میلروی (Milroy 1997: vol. 1, 127-133) و نوریکو واتانابه (Watanabe 2013) اشاره کرد. یکی از استدلال‌های او در این کتاب برای زبان‌شناسان این است که صرفاً محکوم کردن همه صورت‌های بهداشت زبانی برپایه این استدلال که همه آن‌ها تجویزی‌اند، نه سودمند است و نه منطقی (کمرون ۱۳۹۵: ۹).^۲

در ایران نیز مسئله تحول زبان و تثبیت یا معیارسازی آن که به گفته صادقی (صادقی ۱۳۶۷: ج ۱، ۲-۱۲) دو جریان مخالف و ناگزیرند، همواره مورد بحث و مجادله بوده است. اوج این مناظره‌ها در کشور ما پس از انتشار کتاب *غلط‌نویسیم*، نوشته ابوالحسن نجفی (۱۳۶۶)، بود که بحث‌ها و گفت‌وگوهای فراوانی را در پی داشت که تا زمان حاضر نیز ادامه دارد. بیش‌تر جدال‌ها و مناظره‌هایی که کمرون در حوزه بهداشت زبان در کتاب خود طرح کرده است و نیز مثال‌ها و تحلیل‌های موردی کتاب او عموماً به جامعه انگلستان مربوط می‌شوند و همین امر خواندن و فهم دقیق کتاب را برای خواننده ایرانی دشوار می‌کند. با این حال، دو مورد از مباحث مطرح در این کتاب مستقیم به گفت‌وگوهای جاری در کشور ما مربوط می‌شوند. یکی مسئله ویرایش در صنعت نشر و چاپ است و دیگری اختلاف نظر بر سر نحوه کاربرد زبان.

در بخش‌های بعدی، در ابتدا اصل اثر و اهم مسائل مورد بحث در هر فصل را معرفی می‌کنیم و به دنبال آن ترجمه کتاب را ابتدا از نظر شکلی و سپس از نظر محتوایی براساس مدل نقد ترجمه کاتارینا رایس (Reiss 2000) در چهار سطح معنایی، دستوری، واژگانی، و سبکی نقد و بررسی خواهیم کرد. از آن‌جاکه ترجمه مورد بررسی در این مقاله براساس ویراست دوم کتاب به‌انجام رسیده است، ما نیز کتاب را براساس همین ویراست معرفی می‌کنیم.

۲. معرفی اثر

نخستین بار انتشارات راتلج کتاب *بهداشت زبان* را در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد و ویراست دوم آن را نیز همان انتشارات در سال ۲۰۱۲ روانه بازار کرد. ویراست دوم مشتمل بر ۲۹۶ صفحه، پیش‌درآمد، شش فصل، و پس‌درآمد یا سخن آخر است. کمرون در پیش‌درآمد کتاب اشاره می‌کند که در ویراست دوم بازنگری مهمی در مضامین و دیدگاه‌های اصلی اش انجام نداده و صرفاً کوشیده است تا کتاب را با افزودن پیش‌درآمد و پس‌درآمد روزآمد کند. وی در پیش‌درآمد کتاب می‌کوشد نشان دهد که چاپ اول کتابش به‌اندازه کافی مورد استقبال واقع شده است و این‌که کماکان امیدوار است زبان‌شناسان دعوت او را اجابت کنند و بیش‌ازپیش در بحث و پژوهش در این حوزه وارد شوند. در ادامه اهم مطالب و مضامین مورد بررسی در پیش‌درآمد، یکایک فصل‌های کتاب، و پس‌درآمد آن را از نظر می‌گذرانیم.

در پیش‌درآمد ویراست دوم کمرون ابتدا بهداشت زبان را تعریف می‌کند و آن را مجموعه‌ای گوناگون از گفتمان‌ها، سیره‌ها و اعمالی می‌داند که «افراد از ره‌گذر آن می‌کوشند زبان خود را 'پاک' کنند و ساخت و کاربرد آن را هرچه بیش‌تر بر آرمان‌های زیباشناختی، حقیقت، کارآمدی، منطقی، درست‌بودن، و ادب منطبق کنند» (کمرون ۱۳۹۵: ۱۳). کمرون هم‌چنین می‌کوشد تا مواضع و دیدگاه‌های خود را در این زمینه هرچه بیش‌تر تبیین کند و به برخی انتقادات پاسخ دهد که پس از انتشار چاپ اول کتاب مطرح شده است. او تأکید می‌کند که بهداشت زبان نه غلط است و نه درست، بلکه فقط وجود دارد، زیرا خود مفهوم زبان و آگاهی فرازبانی وجود آن را ایجاب می‌کند. وی هم‌چنین درباره‌ی برخی فعالیت‌های پژوهشی مانند مدیریت زبان یا برنامه‌ریزی زبانی و بازنمایی زبان (انگلیسی) در مواد آموزشی توضیح می‌دهد. او این فعالیت‌ها را ذیل سیره‌ها و اعمال بهداشت زبانی دسته‌بندی می‌کند و معتقد است این حوزه‌ها به طرح بهداشت زبان کمک کرده‌اند. کمرون هم‌چنین از تعاملاتی سخن می‌گوید که افراد و گروه‌های مختلف پس از چاپ اول کتاب با او داشته‌اند و از او خواسته‌اند که به سؤالاتشان پاسخ دهد یا در مورد اختلاف نظرهایشان داوری کند. وی این امر را جنبه‌ی متناقض‌نمای کار خود می‌داند و اشاره می‌کند که این گفت‌وگوها گاه موجب سرخوردگی‌اش شده‌اند.

در فصل اول کتاب نویسنده عمده‌تاً درباره‌ی دلایل نیاز به بهداشت زبان سخن می‌گوید و مسائلی را مطرح می‌کند که در فصل‌های بعدی درباره‌ی آن‌ها بحث می‌شود. یکی از این مسائل تجویزگرایی است که کمرون آن را در زمره‌ی بهداشت زبان می‌داند. وی ابتدا دوگانه‌ی تجویزی در مقابل توصیفی را در کاربرد زبان مطرح می‌کند و می‌گوید در برخی مسائل مهم گریزی از هنجارگذاری نیست و اگر برخی از اعمال و روش‌های بهداشت زبان را قابل سرزنش می‌دانیم، چاره‌ی کار مردودشمردن هر نوع تجویز نیست و کنارگذاشتن تجویز به معنای کنارگذاشتن خود زبان است (همان: ۱۰). وی هم‌چنین در این زمینه از مواضع زبان‌شناسان انتقاد می‌کند و می‌گوید اگرچه زبان‌شناسان خود را مخالف تجویز و هنجارگذاری یا هرگونه داوری ارزش‌گذارانه درباره‌ی گونه‌های مختلف زبان می‌دانند، خود درگیر تجویز و هنجارگذاری‌اند. او از جمله این سخن‌زبان‌شناسان را که می‌گویند «زبان را به حال خود بگذارید» نوعی ایدئولوژی می‌داند که نمی‌تواند خالی از هنجارگذاری باشد. وی هم‌چنین نقش زبان‌شناسان در امر برنامه‌ریزی زبانی در برخی کشورها را از نوع اقدامات هنجارگذار می‌داند که زبان‌شناسان آن را پذیرفتنی می‌دانند، زیرا مبتنی بر دانش تخصصی علمی است، اما کمرون آن را مصداق نوعی استاندارد دوگانه می‌داند و نتیجه

می‌گیرد که «ظاهراً آنچه برای زبان‌شناسان غیرقابل قبول است، تجویزها و هنجارگذاری‌های دیگران است، نه هنجارگذاری‌های خودشان» (همان: ۸).

فصل دوم کتاب به بررسی شیوه نگارش، سبک، و نشر اختصاص دارد. کمرون می‌گوید سردبیران روزنامه‌ها و بنگاه‌های چاپ و نشر کتاب که به دنبال معیارسازی زبان‌اند، راهنمای شیوه نگارش دارند، آثار و نوشته‌های افراد را برای اعمال قواعد درست‌نویسی ویرایش می‌کنند و یک‌پارچگی و یک‌دستی شیوه نگارش متن را به دلیل خواست خوانندگان ضروری می‌دانند. کمرون عقیده دارد که این خواست را خود رسانه‌ها و ناشران به خوانندگان آموخته یا القا کرده‌اند (همان: ۳۸). او اضافه می‌کند که برخلاف ادعای آن‌ها، یک‌پارچگی و شفاف‌بودن شیوه نگارش اساساً ساخته خود سنت ویراستاری و درجهت حفظ منافع و تداوم کارشان در حرفه چاپ و نشر و روزنامه‌نگاری و نیز به‌فروش‌رساندن راهنماهای نگارش مخصوص خودشان است. در این فصل هم‌چنین از کشمکش میان نویسندگان با ناشران و روزنامه‌ها در گذر زمان برسر ویرایش دست‌نوشته‌هایشان و نیز توصیه‌های متفاوت فرهنگ‌های لغت در مورد کاربرد یک واژه یا عبارت زبانی واحد سخن رفته است.

در فصل سوم کتاب، نویسنده مسئله جدال برسر دستور زبان و لایحه اصلاح برنامه‌های درسی در دهه ۱۹۸۰ در انگلستان و ویلز و هیجان‌ات بعد از آن به‌واسطه پیوندخوردن دستور با نظام ارزش‌های اجتماعی را به تفصیل بررسی می‌کند و در سطح زیرین این جدال نبردی ایدئولوژیک می‌بیند که در آن محافظه‌کاران نماینده گروه‌های حامی تجویز، نظم، و بازگشت به شکل اولیه دست‌نویس و چاپ‌گرایان و هواداران کثرت‌گرایی خواستار رواداری و تقویت دوزبانگی و گونه‌گونی لهجه‌ها هستند. کمرون معتقد است که زبان‌شناسان در این نبرد نیز در دادگاه افکار عمومی بازنده‌اند، زیرا اهمیت وجود موازین و معیارها را انکار می‌کنند.

فصل چهارم کتاب به بررسی دغدغه‌های مربوط به «بیان دقیق در سیاست» (political correctness) به‌مثابه سیره‌ای مهم در بهداشت زبان اختصاص دارد. در این فصل کمرون جدال‌های جاری برسر بیان دقیق در سیاست، از جمله کارزار زن‌آزادخواهان علیه زبان جنسیت‌زده و بیانات حاکی از تبعیض نژادی را بررسی می‌کند. وی به دیدگاه‌های لیبرال‌ها و محافظه‌کاران اشاره می‌کند که یکی مردم را به تخطی از قراردادی متهم می‌کند که براساس آن رابطه کلمات با جهان خارج از نوع معین و ثابت است و دیگری حامیان بیان دقیق در سیاست را متهم می‌کند که با محدودکردن معانی واژه‌ها از رابطه ما با زبان

سوءاستفاده می‌کند. سرانجام، کمرون ضمن نقد این دیدگاه‌ها عقیده خود را مطرح می‌کند. به نظر او بیان دقیق در سیاست زبان را سیاسی می‌کند و وجود زبانی بی‌عیب و نقص به نحوی که همگان بر سر معانی واژه‌هایش اتفاق نظر داشته باشند، عملاً ناممکن است. وی می‌افزاید که در نتیجه وجود عدم قطعیت در معنی، همه ماجرا خلاصه می‌شود به این‌که کدام معنی غلبه بیابد و چه کسی درباره معنی کلمه‌ها صاحب نظر شناخته شود.

کمرون در فصل پنجم کتاب، آثار ادبی، کتاب‌ها، و متون دیگری را بررسی می‌کند که به زنان توصیه می‌کنند چگونه زبان را به کار ببرند تا بتوانند معلم و مدیر یا همسر بهتر و موفق‌تری برای همسران خود باشند. کمرون پیش‌فرض اصلی این‌گونه آثار را این می‌داند که زنان باید رفتار خود را تغییر دهند و بکوشند زبان را هم‌چون مردان به کار ببرند تا بتوانند با آن‌ها به‌سر ببرند. وی نارضایتی خود را از این دیدگاه‌ها اعلام می‌کند و از آن نوع آثاری انتقاد می‌کند که کاربرد زبان را در زنان و مردان متفاوت می‌داند. او از جمله به کتاب مسئله این است که تو منظور مرا نمی‌فهمی (*You Just Don't Understand*)، نوشته دبوراً تینن (Tannen 1990)، جامعه‌شناس آمریکایی زبان، اشاره می‌کند و آن را از جمله کتاب‌های عامه‌پسند در حوزه زبان‌شناسی می‌داند و به شدت از دیدگاه‌های تینن انتقاد می‌کند.

فصل ششم درباره کارکرد بهداشت زبان در جامعه بحث می‌کند. با توجه به شور و هیجانی که در تداوم فعالیت‌های بهداشت زبان مشاهده می‌شود، این سؤال پیش می‌آید که چه انگیزه‌هایی در پشت آن قرار دارد. کمرون ریشه این هیجانات را در تمایل به حفظ نظم و ترس از بی‌نظمی می‌داند. کمرون حذف بهداشت زبان را ناممکن می‌داند، اما معتقد است که می‌توان روندهای غیرعقلانی آن را در کنترل گرفت و عقلانی کرد. کمرون از دیدگاه زبان‌شناسان انتقاد می‌کند و می‌گوید آن‌ها تغییر را در زبان امری طبیعی می‌دانند، کاربردهای مختلف زبان را یک‌سان می‌شمارند، و فعالیت‌های بهداشت زبان هم‌چون اصلاح دستور و قائل شدن به معنی اجتماعی برای برخی صورت‌های زبانی را نادیده می‌گیرند. از نظر کمرون معقول‌سازی هنجارگرایی و بیان درست در زبان امری ناگزیر است.

سرانجام کمرون در پس‌درآمد کتاب درباره تحولاتی که پس از چاپ اول کتاب روی داده است اظهار نظر می‌کند؛ از جمله درباره پیشرفت‌های فناوری که به گسترش زبان غیرمعیار در دنیای مجازی منجر شده است. او هم‌چنین درباره مواردی چون تغییر معنایی در عبارت «بیان دقیق در سیاست» و نیز تبیین‌های مغزبنیاد از تفاوت‌های جنسیتی و سیره‌ها و اعمال بهداشت زبان سخن می‌گوید که به گفته او ره‌آورد جهانی شدن بوده‌اند.

۳. معرفی و نقد ترجمه اثر

رضا امینی ترجمه این کتاب را به فارسی براساس ویراست دوم کتاب انجام داده است و نشر بوکا آن را در سال ۱۳۹۵، یعنی پنج سال بعد از انتشار ویراست دوم اثر، در ۵۱۶ صفحه به چاپ رسانده است. بخش‌بندی ترجمه فارسی کتاب منطبق بر بخش‌بندی کتاب اصلی است، با این تفاوت که برخلاف اصل کتاب که در فهرست مطالب صرفاً عنوان فصل‌ها، مقدمه‌ها، و مؤخره‌های کتاب معرفی شده‌اند، مترجم فهرست مطالب را مفصل‌تر آورده، و نام تمامی زیربخش‌های هر فصل را نیز ذکر کرده است. هم‌چنین مترجم یادداشتی از خود به کتاب افزوده است که اقدامی درخور ستایش است، به‌ویژه این‌که در این یادداشت تا اندازه‌ای درباره روش کارش در ترجمه کتاب و درباره پانوشته‌ها و نشانه‌های مورد استفاده در متن توضیح داده است. با این حال، نکته منفی درباره یادداشت مترجم این است که بنابه عرف، چنان‌چه مترجم در یادداشت خود از افرادی نام ببرد که از سر لطف مشاوره یا نظری به او داده‌اند، در همان یادداشت مسئولیت ترجمه را خود به‌عهده می‌گیرد تا چنان‌چه در متن نهایی اشکالاتی وجود داشت، شائبه‌ای متوجه آن افراد نشود. با این‌که مترجم در این کتاب از افراد مختلفی نام برده است که به او در کار ترجمه مشاوره داده‌اند، سهم یا نقش آن‌ها را در ترجمه تعیین نکرده و خود او نیز مسئولیت نهایی متن ترجمه را به‌عهده نگرفته است. در رأس این افراد نام ویراستار کتاب است که بنابه اظهار مترجم انتخاب ایشان موجب شده است «مترجم دلش آرام بگیرد و مطمئن شود که متن نهایی به‌دور از آشوب و پریشانی و درخور زبان مشترک ایرانیان خواهد بود» (کمرون ۱۳۹۵: ۱۲). با این حال، مترجم توضیح نمی‌دهد که ویراستار در تولید متن نهایی تا چه اندازه نقش داشته است. هم‌چنین در مورد انتخاب عنوان کتاب نیز مترجم متذکر شده است که دو تن از استادان ایشان نکاتی را متذکر شده‌اند، اما توضیح نداده است که در نهایت عنوان کتاب را خودش انتخاب کرده یا پیش‌نهاد استادانش را پذیرفته است. بنابراین، مشخص نیست که مسئولیت اشتباهات و اشکالات احتمالی در متن ترجمه تا چه اندازه بر دوش مترجم و تا چه اندازه بر دوش ویراستار و سایر افرادی است که در پیش‌گفتار نامشان ذکر شده است.

نکته دیگر این‌که مترجم برای توضیحات نویسنده در آغاز چاپ دوم کتاب عنوان پیش‌درآمد را برگزیده است، اما برای توضیحات نویسنده در پایان کتاب از قرینه آن یعنی «پس‌درآمد» استفاده نکرده است، بلکه برای آن نام «تکمله» را برگزیده است که ممکن است این مفهوم نادرست را القا کند که مباحث این بخش مستقیماً به کتاب مربوط نمی‌شود.

مترجم دست‌کم می‌توانست عنوان «سخن آخر» را برای این بخش برگزیند تا جدای از مباحث اصلی کتاب تصور نشود. هم‌چنین مترجم در نمایه کتاب به جای عبارت «نمایه موضوعی» از عبارت «نمایه موضوع‌ها» استفاده کرده است. قبل از این که متن ترجمه را بررسی و نقد کنیم، لازم است به چند ویژگی دیگری متن ترجمه اشاره کنیم:

۱. با این که سعی شده است غلط‌های املائی در کتاب کم باشد، متأسفانه موارد زیادی از اغلاط چاپی در متن باقی مانده است. در این جا فقط به ده مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

جدول ۱. ده مورد از غلط‌های املائی و شکل صحیح کلمات

شماره صفحه	غلط املائی	شکل صحیح
۲۱	چنینی	چنین
۳۳	شگفتی اور ^۳	شگفتی آور
۴۸	هنجارگذاری	هنجارگذاری
۶۵	قرادهای	قراردادهای
۶۸	سازکارهایی	سازوکارهایی
۷۰	مکررر	مکرر
۸۵	ناگریز	ناگزیر

۲. در به‌دست‌دادن برابر فارسی برخی از واژه‌ها و اصطلاحات به‌شکل پانوشت به‌نظر می‌آید که از قاعده‌ای خاص تبعیت نشده و دقت لازم نیز انجام نگرفته است. مشخص نیست که اساساً چرا برای واژه‌ها و عبارت‌های غیرتخصصی هم‌چون «رایانامه»، «انجمن شهر»، «گروه‌های قومی»، «نظرسنجی»، و بسیاری دیگر پانوشت داده شده است. علاوه‌بر آن، برخی از پانوشت‌ها چند بار تکرار شده‌اند و برخی پانوشت‌ها نه در بار اول که در دفعات بعدی کاربرد یک کلمه یا عبارت ذکر شده‌اند. هم‌چنین نام برخی از کتاب‌ها یا مقاله‌ها در پانوشت آمده است، اما نام برخی دیگر نیامده است. مورد دیگر این که نام برخی کتاب‌ها و مقالات در متن کتاب با حروف خوابیده نوشته شده‌اند، اما این قاعده برای برخی دیگر به‌کار برده نشده است. نکته‌ای مثبت در این زمینه توضیحاتی است که مترجم به‌شکل پانوشت درباره برخی مفاهیم فرهنگ ویژه به‌دست داده است که می‌تواند به خواننده در درک آن مفاهیم یاری رساند.

اکنون ترجمه کتاب را مورد بررسی قرار می‌دهیم. در بدو امر باید متذکر شویم که متأسفانه در این ترجمه اشکالات نظام‌مند فراوانی مشاهده می‌شود که اشاره پراکنده به چند مورد از آن‌ها نمی‌تواند حق مطلب را ادا کند. از این رو بر آن شدیم که ترجمه این کتاب را

به‌طور نظام‌مند و براساس یک مدل نقد ترجمه بررسی کنیم. مدلی که برای انجام این کار برگزیدیم متعلق به خانم کاتارینا رایس (Reiss 2000) است که مطابق با آن نقد ترجمه در چند مرحله انجام می‌گیرد. گام اول در این مدل تعیین نوع متن موردبررسی است. رایس متون را براساس سه نقش عمده زبان (بازنمایی، بیانی، و ترغیبی) به‌ترتیب به سه دسته محتوامحور (content-focused, informative)، صورت‌محور (form-focused)، و جاذبه‌محور (appeal-focused) تقسیم می‌کند. البته رایس از نوع چهارمی از متون به‌نام شنیداری - رسانه‌ای (audio-medial) یاد می‌کند که رسانه‌های غیرزبانی را در بر می‌گیرد. پس از تعیین نوع متن، منتقد باید ویژگی‌های زبانی متن و برابری آن‌ها در زبان مقصد و نیز تعامل عناصر زبانی و غیرزبانی (بافت موقعیت) را در متن بررسی کند. بررسی ویژگی‌های زبانی در چهار سطح معنایی، واژگانی، دستوری، و سبکی به‌انجام می‌رسد و ذیل تعامل عناصر زبانی و غیرزبانی به مواردی چون زمان، مکان، مخاطب، و مانند آن‌ها توجه می‌شود. در این‌جا نقد ترجمه کتاب *بهداشت زبان* براساس مدل رایس صرفاً به تعیین نوع متن و بررسی ویژگی‌های زبانی‌اش محدود می‌شود.

مطابق تعاریف و ویژگی‌هایی که رایس برای انواع متون برمی‌شمارد، کتاب *بهداشت زبان* در زمره متون محتوامحور قرار می‌گیرد. در این نوع از متون هدف اصلی نویسنده انتقال دقیق اطلاعات است. اصل مهم در ترجمه چنین متن‌هایی یک‌سان‌مانی (invariance principle) اطلاعات است و این‌که برای دست‌یابی به تعادل در ترجمه، صورت متن اساساً باید به اصول و کاربردهای زبان مقصد معطوف باشد. وظیفه اصلی منتقد در نقد چنین متن‌هایی این است که مشخص کند محتوای گزاره‌ای متن مبدأ تا چه اندازه با دقت و خوانایی بالا به متن مقصد منتقل شده است. در ادامه ویژگی‌های زبانی ترجمه کتاب *بهداشت زبان* را مطابق با توصیه‌های رایس ذیل هر یک از چهار سطح مورد اشاره او بررسی خواهیم کرد.

الف) سطح معنایی: برای کیفیت‌سنجی تعادل معنایی در متن مقصد، منتقد باید بافت زبانی را بررسی کند تا اطمینان یابد که در متن ترجمه قصد نویسنده از بیان یک عبارت، درست فهمیده و منتقل شده است. در این بررسی باید هم به بافت خُرد (معنی واژه‌ها در بافت بلافصل) توجه شود و هم به بافت کلان (معنی واژه‌ها با توجه به بند یا کل متن). ترجمه کتاب *بهداشت زبان* با توجه به این معیار بررسی و مشخص شد که در این متن موارد فراوانی از انحراف معنایی و عدم دست‌یابی به تعادل معنایی به چشم می‌خورد که در این‌جا به ذکر چند نمونه بسنده می‌شود:

۱. در سراسر کتاب جمله بسیار مهم «leave your language alone» که کمرون آن را چکیده دیدگاه زبان‌شناسان در برابر دیدگاه فعالان عرصه بهداشت زبان می‌داند، به «زبان خود را تنها بگذارید» ترجمه شده است که در همان نگاه اول می‌توان فهمید که این ترجمه تحت‌اللفظی به هیچ‌روی دیدگاه زبان‌شناسان را بازتاب نمی‌دهد. این جمله باید به «زبان را به حال خود بگذارید» ترجمه می‌شد تا منظور نویسنده به‌خوبی رسانده شود.

۲. در صفحه اول پیش‌درآمد کتاب، بخش اول جمله زیر ترجمه نشده است و قصد نویسنده از ادامه جمله نیز به‌درستی فهمیده و منتقل نشده است:

[verbal hygiene] is not just an unnatural and futile enterprise rooted in a failure to appreciate how language works. Rather verbal hygiene is a product of the way language works: it is an outgrowth of the capacity for metalinguistic reflexivity which makes human linguistic communication so uniquely flexible and nuanced.

ترجمه مترجم: از منظری دیگر، بهداشت زبان محصول نحوه کارکردن زبان است؛ بدین معنی که بهداشت زبان یکی از رویش‌های ظرفیت انعطاف‌پذیری فرازبانی است که باعث می‌شود انعطاف‌پذیری و تفاوت‌های ظریف ارتباط انسانی این قدر منحصر به فرد باشد.

همان‌طور که مشخص است مترجم بخش اول جمله را ترجمه نکرده و به جای آن، خود عبارت «از منظری دیگر» را افزوده است. ترجمه ادامه جمله نیز نادرست و نامفهوم است.

ترجمه پیش‌نهادی: [بهداشت زبان] صرفاً کوششی غیرطبیعی و بیهوده نیست که در ناکامی در درک نحوه کار زبان ریشه داشته باشد، بلکه محصول نحوه کار زبان است، یعنی زاده قابلیت انسان برای اندیشیدن درباره خود زبان است که موجب می‌شود ارتباط زبانی‌اش به این اندازه منعطف شود و تمایزهای ظریف بگذارد.

۳. در صفحه ۶۵ از فصل اول کتاب، مترجم معنی جمله زیر را به‌درستی درک نکرده و در نتیجه ترجمه آن نامفهوم است:

And when grammar ceases to be a metaphysics of anything, norms that were once the subject of impassioned debate become 'ossified in a body of traditional lore': there is 'no larger issue at stake' in usage questions, and 'precisely because they are unimportant, we submit to arbitrary precedent' (p. 475).

ترجمه مترجم: و وقتی دستور زبان دیگر متافیزیک چیزی نباشد، هنجارها که زمانی موجب جدل‌های شورانگیزی می‌شدند، «در قالبی از معارف سستی، حالت جمود به‌خود می‌گیرند»: در پرسش‌های مربوط به کاربرد زبان «موضوع مهمی که در مخاطره باشد»

وجود ندارد، و «دقیقاً به دلیل آن که آن‌ها فاقد اهمیت هستند، ما قراردادهای پیشینی [درباره زبان] را می‌پذیریم».

ترجمه پیش‌نهادی: و هنگامی که دستور زبان دیگر ماوراءالطبیعه هیچ حوزه‌ای نباشد، هنجارهایی که یک زمانی موضوع مناظره‌های داغ بودند «به‌شکل مجموعه‌ای سنت بی‌روح درمی‌آیند»: در مباحثه برسر کاربرد زبان «پای مسئله بزرگ‌تری در میان نیست» و «دقیقاً به این دلیل که آن هنجارها دیگر اهمیتی ندارند، تسلیم رویه‌های دل‌بخواهی پیشین می‌شویم».

۴. در صفحه ۹۹ از فصل دوم کتاب، جمله زیر درست ترجمه نشده است و قابل فهم نیست:

For most readers, the labour of copy editors in producing the taken-for-granted appearance of published printed text - books, newspapers and periodicals, advertisements and public notices of all kinds - is all but invisible.

ترجمه مترجم: از نظر بیش‌تر خوانندگان، کار ویراستاران فنی در تولید ظاهر متن‌های منتشرشده (کتاب‌ها، روزنامه‌ها، و نشریات ادواری) که وجود آن بدیهی هم تصور می‌شود، همه‌چیز است، اما ناپیدا است.

ترجمه پیش‌نهادی: از نظر بیش‌تر خوانندگان، کار سخت ویراستاران در پدیدآوردن نمود بیرونی ظاهراً پیش‌پافتاده متون چاپی مانند کتاب، روزنامه، نشریات ادواری، تبلیغات، و هر نوع آگهی عمومی عملاً دیده نمی‌شود.

ب) سطح عناصر واژگانی: مبنای داوری در این سطح رسیدن به تعادل از نظر بسندگی است؛ یعنی منتقد باید باتوجه به این واقعیت که واژه‌ها در هیچ دو زبانی از نظر ساختاری و مفهومی نمی‌توانند به‌طور کامل برهم منطبق باشند، میزان دقت مترجم را در برگزیدن برابری‌های واژگانی به‌ویژه برای اصطلاحات و واژه‌های تخصصی در متن مبدأ مشخص کند. وجود نمونه‌های فراوان در متن ترجمه کتاب *بهداشت زبان* نشان می‌دهد که مترجم در برگزیدن برابری‌های واژگانی دقت کافی نکرده است. در این جا به چند مورد از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. در صفحه ۱۵ پیش‌درآمد کتاب عبارت «hard-wired» در بافت جمله زیر به «سخت - عصبی» ترجمه شده است که به‌هیچ‌وجه بسنده نیست و معنایی را نمی‌رساند:

And since the mid-1990s his view of linguistic behaviour as 'instinctive' or 'hard-wired' has also become pervasive in popular discourse.

مشخص است که این کلمه در جمله بالا در مقام مترادفی برای کلمه «instinctive» به کار برده شده است، بنابراین معنی آن باید «فطری» یا «ذاتی» باشد. این کلمه در حوزه الکترونیک به معنی «سیم‌پیچی شده» یا «سیم‌بندی شده» به کار برده می‌شود و ظاهراً در نتیجه گسترش استعاری در اشاره به قابلیت‌هایی مانند قوه نطق به کار برده می‌شود که گویی طی خلقت در وجود انسان تعبیه شده است.

۲. در صفحه ۱۶ پیش‌درآمد کتاب عبارت «metalinguistic reflexivity» در بافت جمله زیر به «غیرارادی‌بودگی فرازبانی» ترجمه شده است که نشان می‌دهد مترجم به بافت کاربرد این عبارت توجه نداشته است:

Yet, at the same time, people can and frequently do reflect on their own and others' verbal behaviour. Not only is metalinguistic reflexivity a highly salient characteristic of human communication.

در جمله قبل نویسنده از فعل «reflect» استفاده کرده است که در این جا به معنای اندیشیدن یا تأمل کردن است و مشخص است که عبارت «metalinguistic reflexivity» در جمله بعد به همان عمل «اندیشیدن یا تأمل کردن درباره خود زبان» اشاره دارد که از قضا عملی ارادی است.

۳. در صفحه ۴۸ در فصل اول کتاب، عبارت «Ur language» به «زبان شما» ترجمه شده است که نادرست است. «Ur» در حالت پیشوند به معنای «آغازین» است. بنابراین، معنی این عبارت «زبان آغازین» (proto language) است، نه «زبان شما».

۴. در صفحه ۵۵ در فصل اول کتاب و در جمله آغازین بند دوم که با عبارت «یکی از موضوعاتی که در این بحث در معرض خطر قرار دارد» (One of the issues at stake in this argument) آغاز می‌شود و در برخی از دیگر مواردی که نویسنده عبارت «at stake» را به کار برده است (از جمله در صفحات ۶۵، ۸۰ و ۱۵۲) مترجم آن را به «در معرض خطر» یا به «درمخاطره‌بودن» ترجمه کرده که نادرست است و باید به «مطرح شده است» ترجمه شود.

۵. در صفحه ۶۵ در فصل اول کتاب کلمه «students» در ترکیب «students of verbal hygiene» بدون توجه به بافت به «دانشجویان» ترجمه شده که مشخص است در این عبارت منظور از آن «پژوهش‌گران» حوزه بهداشت زبان است.

۶. در صفحه ۷۲ در فصل اول کتاب کلمه «agency» در عنوان فرعی «the agency and "natural"» و تقریباً در تمامی مواردی که این کلمه در متن اصلی به کار برده شده به

«کارگزاری» ترجمه شده است که معادل درستی برای این کلمه در این بافت نیست و معادل مناسب برای آن «کنش‌گری» است.

۷. در صفحه ۱۰۴ در فصل دوم کتاب عبارت «foregrounding medium» به «پیش‌زمینه‌سازی رسانه» ترجمه شده است که نادرست و بی‌معناست. منظور نویسنده از این عبارت «ابزار برجسته‌سازی» است.

۸. در صفحه ۱۳۰ در فصل دوم کتاب، عنوان فرعی «From Practice to Theory: Construction of “Common Usage”» به از عملکرد تا نظریه: ساخت «کاربرد [زبانی] عمومی» ترجمه شده است که در آن کلمه «common» باید به «مشترک» ترجمه شود نه به «عمومی» و کلمه «عملکرد» نیز معادل فارسی مناسبی برای کلمه «practice» در این بافت نیست، بلکه این کلمه باید به «عمل» ترجمه شود. هم‌چنین به نظر می‌رسد که منظور از «construct» در این جا «پیریزی» باشد، نه «ساخت». از این رو، ترجمه مناسب برای این عنوان فرعی می‌تواند این عبارت باشد: «از عمل تا نظریه: پیریزی کاربرد مشترک».

۹. واژه «gatekeepers» در سراسر کتاب به «دروازه‌بانان» ترجمه شده است که در بافت این کتاب معادل مناسبی نیست، زیرا نویسنده این واژه را در اشاره به «حفاظان و پاس‌داران» دیدگاه‌های سنتی به زبان به کار می‌برد.

ج) سطح عناصر دستوری: مبنای داوری در این سطح درست بودن ساخت‌های دستوری است. از آن‌جا که معمولاً ساخت دستوری زبان‌های مبدأ و مقصد تا اندازه زیادی بر یکدیگر منطبق نیستند، ساخت دستوری زبان مقصد باید در اولویت قرار بگیرد که رایس از آن به‌منزله «تعداد هنجاری» یاد می‌کند. بررسی کتاب *بهداشت زبان* نشان می‌دهد که در این سطح نیز ترجمه کاستی‌های فراوان دارد و به‌هیچ‌روی ساخت دستوری زبان مقصد در اولویت قرار نگرفته است. در این جا فقط به چند مورد اشاره می‌کنیم که در سراسر متن ترجمه با بسامد بالا مشاهده می‌شوند:

۱. برخلاف زبان انگلیسی، زبان فارسی ضمیرانداز «pro-drop» است، اما این قاعده در سراسر متن ترجمه رعایت نشده است و ضمائر در جایگاه نهاد بدون هیچ ضرورتی حفظ شده‌اند. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

صفحه ۱۳، بنابراین، خواننده ممکن است در شگفت باشد که چرا من از فرصت موجود... بهره نگرفته‌ام.

صفحه ۱۴، نکته‌ای که من در ادامه بیش‌تر درباره آن صحبت خواهم کرد.

صفحه ۱۵، انتقادی که من به این دیدگاه دارم.

صفحه ۱۴۱، بعداً در این فصل ما باید با نگاه دقیق‌تری بررسی کنیم.

صفحه ۲۰۳، در این مورد هم، بار دیگر آنچه ما با آن سروکار پیدا کردیم، همان قضاوت‌های ارزش‌گذارانه هستند.

صفحه ۳۰۵، هرچندکه من گمان می‌کنم پاسخ گفتن به برخی از این... دشوار است. مشخص است که حذف ضمائر «من» و «ما» در جمله‌های بالا نه تنها آسیبی به ساخت یا معنی آن جمله‌ها نمی‌زند، بلکه حذف آن‌ها ضروری است تا به گفته رابینس ساخت دستوری زبان مقصد در اولویت قرار گیرد.

۲. ترجمه ضمائر متن مبدأ به ضمیر در متن مقصد در سراسر متن ترجمه عمومیت دارد که بر ساخت دستوری زبان فارسی منطبق نیست و موجب شده است نه تنها متن نهایی مصنوعی و ناروان شود، بلکه در برخی موارد به ابهام در درک متن منجر شده است. برای نمونه به این مثال‌ها توجه کنید:

صفحه ۵۰، سناریوهای اسطوره‌ای یک دوره فرضی «سپیده‌دم زمان» ممکن است ما را برانگیزد که گمانه‌زنی‌های فلسفی را درباره بهداشت زبان به تصویر کشیم. با این همه، آن‌ها هم نمی‌توانند حق مطلب را... به جای آورند.

همان‌طور که مشخص است در این جمله ضمیر آن‌ها (they در متن انگلیسی) به گروه اسمی «گمانه‌زنی‌های فلسفی» بازمی‌گردد. ترجمه ضمیر به ضمیر در این گونه موارد در ساخت زبان فارسی رایج نیست و موجب دیرفهمی متن و گاه ابهام می‌شود. در این جمله، ضمیر «they» باید به «این گمانه‌زنی‌ها» ترجمه می‌شد.

صفحه ۸۶، آن‌ها از این خشنود نبودند که با زبان اربابانشان و براساس قراردادهایی سخن بگویند که در چهارچوب سنت‌هایی مقرر شده بودند که [وجود] آن‌ها را نادیده گرفته بودند.

این جمله، با توجه به اشکالاتی که در ترجمه آن وجود دارد، نامفهوم است و دو بار استفاده از ضمیر آن‌ها نیز بر میزان ناروانی و نامفهوم بودن متن افزوده است.

صفحه ۳۷۹، بلکه گه‌گاهی می‌تواند افراد را به وجود ساختارهای فراگیرتر قدرت آگاه کند، و آن‌ها را به انتقاد از آن‌ها... برانگیزد.

«آن‌ها»ی اول به گروه اسمی افراد و «آن‌ها»ی دوم به «ساختارهای فراگیرتر قدرت» بازمی‌گردد. «آن‌ها»ی دوم باید به «آن ساختارها» ترجمه می‌شد.

۳. ترجمه ضمیر غیرشخصی «you» به «شما» در سراسر کتاب موجب شده است که متن نهایی از ساخت زبان فارسی فاصله بگیرد. معادل ساختاری این نوع ضمیر در گونه نوشتاری زبان فارسی «شخص»، «فرد» یا شکلی از ضمیر اول شخص جمع است. به این نمونه‌ها توجه کنید:

صفحه ۱۴، فرض کنید که شما در حال تماشای مستندی درباره طبیعت هستید.

ترجمه پیشنهادی: فرض کنید که در حال تماشای مستندی درباره طبیعت هستیم.

صفحه ۶۹، در زبان‌شناسی اجتماعی گفته می‌شود این‌که شما چگونه عمل می‌کنید، بستگی دارد که شما چه کسی هستید، اما در نظریه انتقادی گفته می‌شود این‌که شما چه کسی....

برای انطباق بر ساخت زبان فارسی، تمام موارد «شما» باید به «شخص» یا «فرد» تبدیل شود و بقیه جمله نیز متناسب با آن تغییر کند.

۴. ترجمه «as» به «به‌عنوان» وقتی که بعد از افعالی چون «regard»، «perceive» یا «take» می‌آید و معنی خاصی ندارد. مانند:

Gender identity is usually taken as one of the most fixed and stable components of...

ترجمه آن در صفحه ۶۹: هویت جنسی اغلب به‌عنوان یکی از ثابت‌ترین و پایدارترین مؤلفه‌های هویت فردی تلقی می‌شود.

مشخص است که «as» نباید در این‌جا ترجمه شود و حذف «به‌عنوان» خللی در معنی یا ساخت جمله پدید نمی‌آورد.

The reason we perceive ourselves, and are perceived by others, as particular kinds of people is ...

ترجمه آن در صفحه ۷۰: علت این‌که ما خودمان را به‌عنوان انواع خاصی از افراد درک می‌کنیم، و از سوی دیگران به‌عنوان این....

حذف «به‌عنوان» در هر دو مورد نه‌تنها خللی در معنی یا ساخت دستوری پدید نمی‌آورد، بلکه برای انطباق بر ساخت دستوری زبان فارسی ضروری است. در ضمن ترجمه این جمله ویرایش لازم دارد.

۵. گرت‌برداری در ترجمه جمله‌هایی با ساخت «to be+ too + adjective» مانند جمله‌های زیر:

Questions of usage are too trivial for people to waste breath disputing.

ترجمه آن در صفحه ۶۴: پرسش‌هایی که درباره کاربرد زبان می‌شود، پیش‌پاافتاده‌تر از آنند که مردم عمرشان را....
ترجمه پیش‌نهادی: چنین پرسش‌هایی درباره کاربرد زبان به اندازه‌ای پیش‌پاافتاده‌اند که مردم نمی‌توانند عمرشان را....

There was concern that the language was too variable to serve the communicative needs.

ترجمه آن در صفحه ۱۱۰: این دغدغه وجود داشت که این زبان ناپایدارتر از آن است که بتواند... را برآورده کند.

ترجمه پیش‌نهادی: این دغدغه وجود داشت که زبان به اندازه‌ای ناپایدار است که نمی‌تواند ...
۶. نحوه ترجمه «few» در آغاز جمله‌های زبان انگلیسی بر ساخت دستوری زبان فارسی منطبق نیست؛ برای مثال، به ترجمه جمله زیر در صفحه ۶۰ در فصل اول کتاب توجه کنید:

Few of these practices feature in the literature on 'prescriptivism'.

ترجمه مترجم: به شمار کمی از این عملکردها در نوشتگان مربوط به «تجویزگرایی» زیاد توجه شده است.

ترجمه پیش‌نهادی: معدودی (یا اندکی) از این اعمال و روش‌ها در نوشته‌های مربوط به «تجویزگرایی» مطرح یا برجسته شده‌اند.

به‌طور کلی، در این ترجمه که سراسر تحت‌اللفظی انجام شده است، نه تنها ساخت دستوری زبان مقصد در اولویت قرار نگرفته، بلکه نمونه‌ای است از ترجمه‌هایی که انتقاد زبان‌شناسان و سایر متخصصان زبان را برمی‌انگیزد، زیرا این ترجمه‌های ناپخته با گرت‌برداری از ساخت‌های دستوری زبان انگلیسی به زبان فارسی آسیب می‌زنند. نعمتی مشکلات این نوع ترجمه‌ها را در دو دسته کلی قرار می‌دهد. «یک دسته از اشکالات به فهم نادرست متن مربوط می‌شود که سبب آن تسلط ناکافی مترجم بر زبان مبدأ است و دسته دوم هنگامی روی می‌دهد که مترجم متن را فهمیده است و می‌خواهد آن را به زبان فارسی بیان کند. تأثیرات منفی زبان انگلیسی بر فارسی بیش‌تر از همین‌جا شروع می‌شود» (نعمتی ۱۳۸۴: ج ۲۳، ۱۰۷-۱۱۸). در ترجمه کتاب *بهداشت زبان* متأسفانه از هر دو نوع این اشکالات به‌وفور مشاهده می‌شود.

د) سطح عناصر سبکی: در این سطح منتقد باید تعیین کند که متن ترجمه تا چه اندازه از نظر ویژگی‌های سبکی، برای مثال از نظر تفاوت میان کاربردهای محاوره‌ای در برابر کاربردهای رسمی یا معیار، بر متن مبدأ منطبق است. آن‌گونه که مثال‌های زیر نشان می‌دهند

متن ترجمه از این نظر نیز بر متن مبدأ منطبق نیست و در سراسر متن واژگان و ساخت‌های سبک گفتاری و غیررسمی با واژگان و ساخت‌های سبک نوشتاری و رسمی درآمیخته‌اند. در این جا به ذکر چند نمونه اکتفا می‌کنیم:

۱. در سراسر کتاب از حرف و حرف‌زدن که محاوره‌ای هستند برای ترجمهٔ افعال و اسم‌هایی استفاده شده است که به سخن گفتن مربوط می‌شوند (به‌ویژه «talk») و «to talk».) درحالی که معادل نوشتاری آن‌ها سخن و سخن گفتن است.

۲. صفحهٔ ۱۳: این اصطلاح به گردآوری قروقاطی گفتمان‌ها و عملکردهایی اشاره دارد. مشخص است که قروقاطی واژه‌ای گفتاری است و می‌توان به جای آن از عبارت آمیزه‌ای از گفتمان‌ها و... استفاده کرد.

۳. صفحهٔ ۳۲: دارای ستون‌هایی دربارهٔ زبان هستند و مقدار جاهای خوبی که روزنامه‌ها به موضوعات زبانی اختصاص می‌دهند.

در این جمله، عبارت جاهای خوب ترجمه «feature space» است که گذشته از این که ترجمهٔ مناسبی برای این عبارت انگلیسی نیست (زیرا این عبارت اشاره دارد به محل چاپ مقالاتی که یک موضوع را به‌طور عمیق بررسی می‌کنند)، ترکیبی محاوره‌ای است و دست‌کم به جای آن می‌شود از عبارت فضاهای پرخواننده استفاده کرد.

۴. صفحهٔ ۴۳: دوست دارم قدردانی خودم را از افراد بسیاری که در مسیر پژوهش... این جمله از بخش سپاس‌گزاری است و مشخص است که «دوست دارم» ترجمهٔ مناسبی از عبارت «I would like to» نیست، زیرا محاوره‌ای است و به جای آن می‌توان از کلمهٔ معمول‌تر مایلِم استفاده کرد.

۵. صفحهٔ ۶۰: برای ترجمهٔ کلمهٔ «posh» از واژهٔ خوشگل استفاده شده است که علاوه‌بر این که معادل مناسبی نیست واژه‌ای محاوره‌ای است و به جای آن می‌شد از واژهٔ شیک یا واژهٔ مشابه دیگری استفاده کرد.

۶. صفحهٔ ۷۷: گروه‌های ذی‌نفع قدرت‌مندی که آگاهانه زبان را انگولک می‌کنند تا او را ابزار پیش‌برد اهداف خود قرار دهند.

در این جمله «انگولک» ترجمهٔ واژهٔ «manipulate» است که عامیانه است و می‌توان به جای آن «دست‌کاری» را به کار برد.

۷. صفحهٔ ۱۰۸: بیش‌تر گویشوران خیلی پیر ...

پیر واژه‌ای محاوره‌ای است و به جای خیلی پیر می‌شود واژهٔ سال‌خورده را به کار برد.

۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله، کتاب *بهداشت زبان* نوشته دپورا کمرون معرفی شد و متن ترجمه آن به زبان فارسی براساس مدل نقد ترجمه خانم کاتارینا رایس بررسی شد. مطابق این مدل برای نقد ترجمه، ابتدا باید نوع متن را تعیین کرد و سپس متن ترجمه را از نظر دستیابی به تعادل در چهار سطح معنایی، دستوری، واژگانی، و سبکی موردنقد و بررسی قرار داد. کتاب *بهداشت زبان* در زمره متون محتوامحور قرار می‌گیرد که در ترجمه آن‌ها دو اصل مهم باید مدنظر مترجم قرار بگیرد: یکی اصل یک‌سان‌مانی اطلاعات است و دیگری معطوف‌بودن صورت متن به اصول و کاربردهای زبان مقصد.

نتایج این بررسی نشان داد که متن ترجمه این کتاب از دستیابی به تعادل در سطوح مختلف معنایی، دستوری، واژگانی، و سبکی ناکام مانده است. نمونه‌های بررسی‌شده حاکی از وجود موارد فراوانی از انحراف معنایی و انتقال نادرست مفاهیم است. ساخت دستوری زبان مقصد در اولویت قرار نگرفته است. در برگزیدن برابره‌های واژگانی دقت لازم مبذول نشده است و در سطح سبکی نیز در سراسر این متن، واژگان و ساخت‌های سبک‌گفتاری با واژگان و ساخت‌های سبک‌نوشتاری درهم آمیخته‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. «Verbal Hygiene» به‌نظر می‌آید که در برگزیدن این نام کمرون کوشیده است تا با استفاده از واژه «verbal» به‌جای «language» یا «linguistic» آن را بیش‌تر متوجه کاربرد زبان، یعنی گفتار و نوشتار کند تا خود زبان. هم‌چنین واژه «hygiene» که باتوجه‌به ریشه یونانی‌اش به‌معنی فن حفظ سلامت به‌ویژه از ره‌گذر پاکیزه‌سازی است (فرهنگ آکسفورد) آن را به دیدگاه طرف‌داران زبان پاک نزدیک می‌کند. از این‌رو، برگزیدن معادل تحت‌اللفظی «بهداشت زبان» برای آن نمی‌تواند مقصود نویسنده را برساند، به‌ویژه این‌که «بهداشت» واژه‌ای جدید است و صرفاً به‌معنای حفظ تن‌درستی است (فرهنگ معین) و گسترش استعاری آن در حوزه کاربرد زبان نیز بیش‌تر به رعایت ادب در سخن‌گفتن اشاره دارد تا به تجویز یا دیگر امور مربوط به کاربرد زبان. باین‌حال، در مقاله حاضر که به نقد کتابی با همین عنوان اختصاص دارد، کماکان از همان عبارت «بهداشت زبان» استفاده خواهیم کرد.

۲. شماره صفحه‌ها در سراسر مقاله براساس متن ترجمه است نه متن کتاب اصلی.

۳. این نوع غلط‌املایی در سراسر متن به‌وفور دیده می‌شود که بعد از نیم‌فاصله به جای «آ» حرف «ا» تایپ شده است، مانند «لال‌اور» در صفحه‌های ۳۵ و ۵۶، «پیام‌اور» در صفحه ۳۸، و «تناقض‌امیزی» در صفحه ۸۱

کتابنامه

صادقی، علی اشرف (۱۳۶۷)، «تحول زبان و تثبیت یا معیارسازی آن: دو جریان مخالف و ناگزیر»، مجله زبان‌شناسی، ش ۱.

کمرون، دبورا (۱۳۹۵)، *بهداشت زبان*، ترجمه رضا امینی، تهران: بوکا.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۶۶)، *غلط نویسیم: فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نعمتی، مجید (۱۳۸۴)، «تأثیر منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی از طریق ترجمه‌های غلط و متون مطبوعاتی»، مجله پژوهش زبان‌های خارجی، ش ۲۳.

Cameron, Deborah (1995), *Verbal Hygiene*, London: Routledge.

Cameron, Deborah (2012), *Verbal Hygiene*, London, NewYork: Routledge.

Diana, Wegner and Douglas College (2000), "Review: Verbal Hygiene", *Technostyle*, vol. 16, no. 2.

Milroy, James (1997), "Review of *Verbal Hygiene* by Deborah Cameron 1995", *Journal of Sociolinguistics*, no.1/1.

Reiss, Katarina (2000), *Translation Criticism: The Potentials and Limitations; Categories and Criteria for Translation Quality Assessment*, Erroll F. Rhodes, St. Jerome (trans.), Publishing Ltd.

Tannen, Deborah (1990), *You Just Don't Understand: Women and Men in Conversation*, NewYork: Ballantine Books.

Watanabe, Noriko (2020/2/21), "Review: *Verbal Hygiene*": <<http://www.interstrataltension.org/>>.

